

هرمان هسه

و

شارمانیهای کوچک

گردآوری و ترجمه

پریسا رضایی - رضا نجفی



انتشارات فرارید

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۳	برگزیده‌ای از شادمانیهای کوچک
۱۷	شادمانیهای کوچک
۲۲	جلوی پنجره‌ام
۳۰	چلهٔ تابستان
۳۳	روزهای زمستانی در گراوبوندن
۳۹	کنسرت تفریحی
۴۷	بار دیگر در اتاق مطالعه
۵۲	نامهٔ زمستانی
۵۹	چینی‌ها
۶۴	یادوارهای از آسیا
۶۸	سلامی از برن
۷۴	یک شامگاه پاییزی در اتاق مطالعه
۷۸	یادداشتی از یک دفترچه خاطرات
۸۴	ژرفاندیشی
۸۹	دلتنگی برای هند
۹۳	از دوران مدرسه‌ام
۱۰۶	روح رمانتیک
۱۱۴	تلاش‌هایی مدرن برای معنابخشی‌هایی جدید
۱۲۱	یادی از آندره ژید
۱۳۱	ترانه‌های عاشقانه
۱۳۴	برای مارولا
۱۴۳	چهل سال مونتانیولا
۱۴۵	گزینهٔ داستان
۱۴۷	پروانه
۱۵۵	مردی با کتاب‌های بسیار
۱۶۱	بازداشت
۱۶۹	گزینهٔ اشعار
۱۷۱	شب

۱۷۲	هنگام
۱۷۳	چه سنگین روزهایی...
۱۷۴	سرنوشت
۱۷۵	دیر هنگام به جاده
۱۷۶	بر فراز کشتزاران
۱۷۷	راهی به درون
۱۷۸	به مردمان سخت
۱۷۹	نخستین گل‌ها
۱۸۰	در آوارگی
۱۸۱	پروانه
۱۸۲	شب تنها
۱۸۳	کودکی
۱۸۴	گفت و گوی آواره با مرگ
۱۸۵	هر از گاه
۱۸۶	پاییز
۱۸۷	دردها
۱۸۸	سپتامبر
۱۸۹	تنها
۱۹۰	در مه
۱۹۱	یادداشت شبانه آوریل
۱۹۲	بیمار
۱۹۳	همه مرگ‌ها
۱۹۵	هرمان هسه و توماس مان در آئینه مکاتبات
۲۱۳	هرمان هسه به روایت منتقدان
۲۱۵	همسانی‌ها و ناهمسانی‌های دو نویسنده
۲۳۱	برای هرمان هسه در آستانه شصت سالگی
۲۳۵	هرمان هسه: زندگی و آثار
۲۴۴	هرمان هسه و ساعتی پس از نیمه‌شب
۲۴۷	پانوشت‌ها
۲۵۳	فهرست منابع

پیش‌گفتار

در سال ۱۸۷۷ نیچه در کار آفرینش آثار بزرگ خود بود، تولستوی و داستایفسکی هنوز در قید حیات بودند و دنیای بزرگ و فراخ ادبیات داستانی روسیه را به اوج خود می‌رساندند. در آلمان، سلطهٔ فلاسفهٔ ایده‌آلیست و نویسندگان رمانتیک پابرجا بود و همزمان، کوشش‌های ویلهلم قیصر آلمان، برای تبدیل آلمان به ابرقدرتی جهانی، به ملی‌گرایی آلمانی دامن می‌زد، همان که بعدها سبب‌ساز دو جنگ جهانی در اروپا شد. در چنین سالی، هرمان هسه در ناحیه شوارتزوالد (جنگل سیاه) از توابع جنوب آلمان دیده به جهان گشود و همهٔ آنچه بر شمردیم، بر حیات معنوی او تأثیر گذاشت. حضور در طبیعت (از دهکدهٔ زیبای زادگاهش تا دهکدهٔ مونتانیولا در نزدیکی دریاچهٔ لوگانو که در آنجا چشم از جهان فرو بست)، شیفتگی نسبت به رمانتیک‌های آلمانی همچو ریلکه، گوته، نووالیس، هولدرلین، هوفمان و... دلسپردگی به عرفان شرقی و اندیشه‌چینی، آشنایی با گنوسیسم، تأثیرپذیری از اندیشه‌های نیچه و داستایفسکی، دمخور بودن با آموزه‌های مکتب روانشناختی یونگ و... از جمله آبخورهایی هستند که آثار هسه از آنها مایه گرفته‌اند و بی‌شک هر خواننده نکته‌سنج این نکته را در خواهد یافت.

آمیزهٔ این عناصر گوناگون که از رمانتیسم و عرفان آغاز می‌شود و به فلسفه و

روانشناسی می‌انجامد، سبب شد این نئورمانتیک بزرگ، جایزه نوبل ادبی را در سال ۱۹۴۶ از آن خود سازد.

اما در زمانه‌ای چنین تغزل‌ستیز و رمانتیسیم‌گریز، حق مطلب درباره‌ی هسه و آثارش آنچنان که باید و شاید ادا نمی‌شود. بجز مواردی که برشمردیم، پهنه‌های بسیاری از جان و اندیشه هسه بکر و دست‌نخورده مانده است که می‌توانیم و می‌باید کشفشان کنیم. هسه همچنان هنوز برای ما شگفتی‌ها و زیبایی‌های بسیار دارد، با ناگفته و ناشنیده‌ها و افسونکاری‌هایی که برایمان بسی شادمانیهای کوچک خواهد آفرید.

هرمان هسه نزد خوانندگان فارسی، رمان‌نویسی رمانتیک شناخته شده است؛ به رغم درستی چنین باور و برداشتی، شان و ارزش هسه از چنین تعریفی فراتر می‌رود. مهم نیست که هسه را رمانتیک بشماریم، مهم آن است که او به شایسته‌ترین شکل ممکن رمانتیک است. گرچه گوهر و جان هسه رمانتیک می‌نماید، اما بینش او پربارتر و ژرف‌تر از آنی است که در این چارچوب محدود ماند. هسه افزون بر آنکه وارث سنت‌های ایده‌آلیسم و رمانتیسیم کهن آلمانی است - رمانتیسیمی که بسی ژرف‌تر و اندیشمندانه‌تر از رمانتیسیم کشورهای دیگر شمرده می‌شود - پهنه‌های دیگری از روح آلمانی را در نور دیده و غنای آلمانی (German Profundity) را در عرصه‌هایی که بدانها اشاره شد، در آمیخته است.

جدا از انبوه خوانندگان شیفته‌ای که شمار چاپ آثار هسه را در ایالات متحده، ژاپن، امریکای جنوبی، هند و... به میلیون‌ها نسخه افزایش داده‌اند و جدا از تأثیرگذاری آثار هسه در جنبش‌های فکری - اندیشگی جوانان مغرب‌زمین و... اندیشمندان و نخبگان فرهنگی نیز ارزش و اعتبار جهانی هسه را شناخته و ستوده‌اند.

بی‌گمان اگر هسه نویسنده‌ای صرفاً رمانتیک، با ارج و اعتباری میانه می‌بود، هرگز اندیشمندان و هنرمندانی چون والتر بنیامین، تی. اس. الیوت، توماس مان، آندره ژید، ریلکه، هنری میلر، اشتفان تسوایگ، رومن رولان و... بی‌دریغ‌ترین ستایش‌های خود را نثار او نمی‌کردند.

بیهوده نیست که روشنفکر بلندپایه‌ای چون توماس مان درباره‌ی او می‌گوید: «در سنجش با این ادیب و زندگانی ادبی‌اش، چیزی آلمانی‌تر وجود ندارد... این زندگانی